



شماره سی و یکم

بهار ۱۳۹۴

صفحات ۶۵-۹۰

سبک زبان زنانه در خاطرات تاج السلطنه

فاطمه رضوی*

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر مریم صالحی نیا

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

تحلیل سبکی آثار زنانه با ابزارهای دقیق زبان‌شناسی برای دستیابی به مشخصه‌های نثر زنان و درنهایت نقد علمی این آثار، از اهداف مهم سبک‌شناسی زنانه است. این مقاله سعی دارد با مطالعه سبک‌شناختی خاطرات تاج‌السلطنه که یکی از آثار مهم نثر زنانه درباری در دوره قاجار است، ویژگی‌های زنانه این اثر را شناسایی کند. نشان‌داری واژگان، کاربرد فراوان صورت‌های بیانگر زبان همچون صفت و قید، صورت‌های مبهم و غیرصریح زبان و تشدیدکننده‌ها، کاربرد منادا و جملات معترضه و دعایی، صورت‌های خلاف قواعد دستور زبان فارسی و جملات ناتمام، تأثیر عوامل غیرخطی زبان، ساده‌نویسی، جزئی‌نگری، بیان احساسات و ازتن‌نویسی. شرایط فردی و اجتماعی نویسنده موجب شده است تا برخی ویژگی‌های زنانه در این اثر دیده نشود. همچنین به سبب سطح بالای تحصیلات نویسنده، درصد قابل‌ملاحظه‌ای از کاربرد جملات پیچیده مشاهده می‌شود و به دلیل موقعیت برتر خانواده وی، وجهیت در سطح بالا است.

واژگان کلیدی: سبک‌شناسی، زنانه‌نویسی، خاطرات تاج‌السلطنه، نثر دوره قاجار

*razavi.f@hotmail.com

نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسؤول:

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۲/۲۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۸/۱

۱- مقدمه

عصر قاجار، به‌خصوص دوره مشروطه، نقطه آغازین حضور زنان در اجتماع و خروج از حصار تنگ خانه است. این امر به علت افزایش سطح سواد و آگاهی یافتن آنان از اوضاع نامناسب خود و وضعیت متفاوت زنان غربی ایجاد گردید. در این دوره فرهنگ ایران با تمدن غرب روبه‌رو شد و این برخورد منجر به تحولاتی گردید که یکی از آنها توجه به مسائل زنان به گونه‌ای متفاوت از گذشته است. این دگرگونی به حوزه ادبیات نیز راه یافت. توجه به مسائل زنان و مقایسه زنان فرنگی با زنان ایرانی در آثار این عصر قابل توجه است (حمیدی و عاملی‌رضایی، ۱۳۸۷: ۴۷)؛ افزون بر این، در همین عصر است که آثار منثور از زنان در قالب نامه، رساله، سفرنامه و خاطره به چشم می‌خورد.

نوشتار زنان دوره قاجار براساس حوادث سیاسی و جایگاه آنان در نشر به سه دوره تقسیم می‌شود: دوره اول از آغاز سلسله قاجاریه تا حکومت ناصرالدین‌شاه (۱۲۱۰ تا ۱۲۶۴ق)؛ دوره دوم شامل حکومت ناصرالدین‌شاه (۱۲۶۴ تا ۱۳۱۳ق) و دوره سوم از جلوس مظفرالدین‌شاه تا کابینه سیدضیاءالدین طباطبایی (۱۳۱۳ تا ۱۳۴۰ق) (عاملی رضایی، ۱۳۸۹: ۱۹، ۵۷، ۱۴۱). می‌توان گفت نگارش خاطرات به دوره سوم و حوادث آن به دوره دوم و سوم عصر قاجار باز می‌گردد. از دوره اول سه سفرنامه حج در دست است که شامل سفرنامه بانو جهان‌بیگم (۱۲۸۰ق)، عصمت السلطنه دختر فرهادمیرزا (۱۲۹۸ق) و گزارش علویه کرمانی می‌گردد. از دوره دوم آثاری از زنان طبقات بالای اجتماع (درباری) موجود است که شامل نامه‌های مهدعلیا (مادر ناصرالدین‌شاه)، فروغ‌الدوله (دختر شاه) و زنان شاه (انیس‌الدوله، امینه‌اقدس و ندیم‌السلطنه)، سفرنامه خاوربی‌بی شادلو (۱۳۱۶ق)، سفرنامه سکینه‌سلطان وقارالدوله (۱۳۲۰ق). و رساله انتقادی معایب الرجال (۱۳۱۲ق) از بی‌بی‌خانم دختر محمدباقر خانم است. نامه‌های تاج‌السلطنه به کابینه دولت (سعدوندیان، ۱۳۷۹)، نامه‌های فروغ‌الدوله (۱۳۰۲-۱۳۰۴ق). به همسرش ظهیرالدوله و نامه‌های تاج‌ماه آفاق‌الدوله (نگهداری‌شده در مرکز اسناد تهران به شماره سند ۲۹۷/۱۲۹۶۹) به وکیل و بزرگان دولتی و خاطرات منسوب به تاج‌السلطنه (۱۳۶۱)^(۱) از جمله آثار منثور زنان درباری در دوره سوم است.

تاج‌السلطنه از زنان روشنفکر و تحصیل‌کرده دربار و دختر ناصرالدین‌شاه قاجار است که در سال ۱۳۰۱ هجری قمری به دنیا آمد. وی را در هفت‌سالگی به مکتب فرستادند، اما تحصیلاتش به جایی نینجامید و پس از دو سال از مکتب‌خانه خارج شد و به نامزدی حسن خان شجاع‌السلطنه، پسر محمدباقرخان سردار اکرم، درآمد. این ازدواج از آن‌روی که

ناخواسته بود، سرانجام به متار که انجامید. پس از آن وی به اکتساب معارف راغب گشته، به آموختن موسیقی، نقاشی، زبان فرانسه، و مطالعه ادبیات، تاریخ، و فلسفه دل بست. این دلبستگی نیز به رغم عدم تعمیق مطالعات، در شیوه تفکر وی سودمند افتاد (نک. اتحادیه و سعدوندیان، ۱۳۶۱: هفت و هشت).

خاطرات، زندگی‌نامه خودنوشت اوست از بدو تولد تا زمان متار که با همسر (همان: هشت). بنابراین شرح حال وی به عنوان یک زن موضوع اصلی خاطرات تاج السلطنه است. این اثر، از آن جهت که مؤلف از نزدیک با واقعیات زندگی در حرمسرای شاهی در ارتباط بوده و نیز انتقادهای وی از وضع مملکت‌داری و نیز دیدگاه وی درباره حقوق زنان، اخلاق و دفاع از حکومت مشروطه حائز اهمیت است. علاوه بر این، چنان‌که اتحادیه و سعدوندیان در مقدمه خاطرات می‌نویسد، خاطرات تاج السلطنه در عداد معروف‌ترین و مهم‌ترین زندگی‌نامه‌های بازمانده از دوران قاجار است. این شهرت و اهمیت، نخست ناظر است به شخصیت نگارنده و پس از آن به محتوای تاریخی اثر. اهمیت آن در ربط به شخصیت نگارنده، نخست به سبب جنسیت اوست؛ و دیگر مقام و منزلت اجتماعی وی که شهزاده‌ای است در زمره پررنگان حرم سلطنت. و در ربط با محتوای تاریخی اثر، نخست از آن روست که نگارنده در پرتو و به سبب امنیت جانی و مالی مترتب بر مقام اجتماعی خویش، از آزادی بیان بیشتری نسبت به دیگران برخوردار است و دیگر از آن رو که نمونه‌ای است گویا از برخورد مظاهر مدنیت و فرهنگ شرق و غرب در آن مقطع زمانی (همان: هفت). تظاهرات و تمایلات فرهنگی یاد شده، در شیوه نگارش و نگرش نیز در محتوای تاریخی اثر مؤثر بوده و سبب تمایز آن از آثار مشابه شده است. تأثیر مطالعه ادبیات و خاصه رمان‌های فرنگی، چه به زبان اصلی و چه بازگردان فارسی آن، در شیوه نگارش خاطرات عیان است. کوشش تاج السلطنه در تصویرسازی و توصیف مناظر به عنوان تمهیدی بر ذکر حوادث، کنکاش در حالات روحی و خصوصیات اخلاقی و رفتاری، نیز وصف صورت و ظاهر شخصیت‌های مذکور در اثر، هم‌چنین بافت دستوری پاره‌ای از جملات گواه همین تأثیر است (همان: هشت).

۲- پیشینه تحقیق

بررسی سبک زنانه در ادبیات فارسی چه در حوزه نظری و چه در نقد عملی بی‌سابقه نیست. از جمله پژوهش‌های نظری می‌توان به مقاله قدرت‌الله طاهری با عنوان «زبان و

نوشتار زنانه؛ واقعیت یا توهم» (۱۳۸۸) و طرح نسبتاً مبسوط سبک زنانه برای نخستین بار در کتاب سبک‌شناسی؛ نظریه‌ها رویکردها و روش‌ها (فتوحی رودمعجنی، ۱۳۹۱) اشاره کرد. در زمینه نقد عملی در رمان‌های معاصر کارهایی صورت گرفته‌است که برای نمونه می‌توان به دو مقاله «روند تکوین سبک زنانه در آثار زویا پیرزاد: تحلیلی بر پایه سبک‌شناسی فمینیستی» (نیکوبخت و دیگران، ۱۳۹۱) و «مقایسه زبان زنان در آثار سیمین دانشور و جلال آل‌احمد» (بهنی مطلق و باقری، ۱۳۹۱) اشاره کرد. پژوهش در زمینه متون و اسناد باقی‌مانده از دوره قاجار بسیار زیاد است، اما در زمینه «سبک‌شناسی آثار منشور زنان این دوره» تنها می‌توان به کتاب سفر دانه به گل اشاره کرد که رساله دکتری مریم رضایی‌عاملی (۱۳۸۹) بوده‌است با عنوان تحول جایگاه زن در نثر دوره قاجار (۱۳۱۰-۱۳۴۰ ق). این کتاب به سبک‌شناسی آثار زنان این عصر، فقط در حد توصیف شیوه نگارش می‌پردازد. خاطرات تاج‌السلطنه در قسمتی از پایان‌نامه کارشناسی ارشد حمیدرضا سلمانی (۱۳۸۹) با عنوان بررسی و تحلیل محتوایی و ادبی زندگی‌نامه‌های خودنوشت فارسی، نیز مورد بحث واقع شده‌است.

۳- زبان زنانه و شاخصه‌های زنانگی متن

تحقیق در حوزه سبک زبان زنانه مبتنی بر این مسأله است که زنان به چه کاربردها و صورت‌هایی از زبان بیشتر گرایش دارند. مسأله زنانه‌نویسی و در نظر گرفتن چیزی به عنوان زبان زنانه در ذات زبان وجود ندارد و زبان الزاماً دارای تمایزات جنسی نیست، بلکه در نظر گرفتن نوشتار و گفتار زنانه به مسأله جنسیت در زبان مربوط می‌شود. زبان‌شناسان برای جلوگیری از ابهام از دو اصطلاح جنس^۱ و جنسیت^۲ استفاده می‌کنند. جنس به ویژگی‌های زیست‌شناسی و فیزیکی مرد و زن مربوط می‌شود، درحالی‌که جنسیت به ویژگی‌ها و مشخصه‌های فرهنگی و اجتماعی اشاره دارد و تمایزات جنسیتی بین مرد و زن به انتظارات متفاوت جامعه از نقش‌های مرد و زن مرتبط است (تانگ، ۱۳۸۷: ۱۱). مشخصه‌های جنسیتی علاوه بر اینکه - برخلاف ویژگی‌های جنسی - چندان واضح و مشخص نیست، از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت و به عبارتی نسبی است.

1. sex

2. gender

مفهوم زنانه‌نویسی بررسی جنسیت در زبان است که به تحلیل تفاوت‌های رفتار زبانی زنان و مردان می‌پردازد؛ به عبارت دیگر، به بررسی اینکه چه مضامین و کاربردهایی خاص زبان زنان است و یا اینکه تفاوت‌های آوایی، واژگانی و نحوی زبان زنان و مردان چیست. این تفاوت‌ها معمولاً در میزان و بسامد عناصر زبانی خاص است، چنان‌که بسامد بالای عنصر زبانی خاص، مانند جملات کوتاه، به‌همراه عناصر دیگری که برچسب «سخن زنانه» دارند، باعث می‌شود که متن، زنانه محسوب گردد (فتوحی رودمجنی، ۱۳۹۰: ۳۹۸).

ویژگی‌های مختلفی توسط پژوهشگران فمینیست، مانند روبین لیکاف، دبره تنن و د. کامرون، به‌عنوان شاخص‌های زنانگی متن مشخص شده‌است. به‌طور کلی مشخصه‌هایی که ویژگی‌های سخن زنانه شمرده می‌شود، عبارت‌اند از: «زنان بیش از مردان از صورت‌های زبانی بیانگر استفاده می‌کنند؛ صفت [و قید] بیانگر دآوری عاطفی است، درحالی‌که اسم و فعل دارای دلالت عقلانی است. آنها از اشکالی که منتقل‌کننده ابهام است، استفاده می‌کنند... و نقش‌های زبانی نشانه‌ی عدم اطمینان باشد، در کلام آنها موجود است» (لیکاف، ۱۹۹۰: ۲۰۴؛ همچنین نک. وداک و بنک، ۱۹۹۸: ۹۳)؛ آنها بیشتر از مردان از زبان بدن استفاده می‌کنند (لیکاف، ۱۹۹۰: ۲۰۴) و حسن‌تعبیر و سخن مؤدبانه در کلام آنها بیش از مردان است^(۱) (لیکاف، ۲۰۰۴: ۸۸)؛ زنان نسبت به مردان جزئی‌نگرتر هستند و بیشتر از جملات دعایی، تعجبی و منادا استفاده می‌کنند (فتوحی رودمجنی، ۱۳۹۰: ۴۰۸) و در کلام آنها بسامد جملات ساده و مرکب هم‌پایه نسبت به جملات وابسته و پیچیده بیشتر است (گرین و لیبهان ۱۳۸۳: ۶۸)؛ علاوه بر این، عوامل تشدیدکننده^۲ زبان، مانند درجات بالای قیده‌های مقدار^۴ و بیان عبارت به صورت پرسش، در کلام زنان زیاد است (لیکاف به نقل از کامرون، ۲۰۰۶: ۳۷۴۶).

با وجود برشمردن مشخصه‌های زنانه، پژوهشگران جدید زبان‌شناسی فمینیست، به‌جای تعمیم‌دهی شاخص‌های زنانه به متون زنان، به بررسی حوزه‌ای و منطقه‌ای روابط و هویت جنسیتی و الگوهای جنسیتی کاربرد زبان که براساس اجتماعات مشخص و از

-
1. Lakoof
 2. Wodak & Benke
 3. Intensifier
 4. degree adverb
 5. Cameron

طریق مشی‌های اجتماعی محلی شده شکل می‌گیرد، پرداخته‌اند (کامرون، ۲۰۰۶: ۳۷۴۶). بر این اساس ویژگی‌هایی هست که وجود چند مورد آن در یک متن زنانه، امکان نامیدن زنانه آن اثر را فراهم می‌کند و براساس گفته کامرون وجود و نوع این ویژگی‌ها براساس ارزش‌ها و مطالبات جامعه مورد نظر است. به‌عنوان مثال این ویژگی که زنان در تولید ساختارهای نحوی پیچیده مانند جملات مرکب وابسته ناتوان‌اند و میزان ساخت‌های هم‌پایه در سخن آنان زیاد است (گرین و لبیان، ۱۳۸۳: ۶۸)، شاید در متون بسیاری از زنان دیده شود، اما ویژگی عام نیست و در همه متون زنانه، مخصوصاً زنان تحصیل‌کرده، دیده نمی‌شود. این ویژگی براساس این اعتقاد ایجاد شده‌است که زنان پیش از سخن گفتن فکر نمی‌کنند و ساختارهای نحوی پیچیده نیازمند تفکر و فرایندهای مغزی پیچیده است که زنان از آن محروم‌اند (همان).

۴- روش پژوهش

بررسی سبکی تمام متن علاوه بر اینکه کاری طاقت‌فرسا است، ما را به نتایج مورد نظر نمی‌رساند. از این‌رو، در این پژوهش بر آن بوده‌ایم که براساس دیدگاه هلیدی، قسمت‌هایی از متن را که مرتبط با موضوع آن است، بررسی کنیم. بدین منظور، باید بخش‌های مهمی را که معنای کلی مورد نظر نویسنده در آنجاست، پیدا کرد (هلیدی، ۱۹۸۱: ۳۳۴)؛ و نیز بنا بر گفته پیترووردانک «در تحلیل سبک‌شناسیک یک متن بنا نیست هر قالب یا ساختاری را مورد بررسی قرار دهیم، بلکه اساس کار ما را قالب‌ها و ساختارهایی تشکیل می‌دهند که برجسته‌تر از دیگران‌اند» (وردانک، ۱۳۸۹: ۲۱).

پرسش پژوهش این است که «کدام ویژگی‌های زبان زنانه در خاطرات تاج‌السلطنه برجستگی و نمود دارد؟». فرضیه ما این است که این ویژگی‌ها در سطح زبانی شامل نشان‌داری واژگان، کاربرد فراوان صورت‌های بیانگر زبان همچون صفت و قید، صورت‌های مبهم و غیرصریح زبان مانند «یک‌جور» و «یک‌عالمه» و تشدیدکننده‌هایی مانند «خیلی»، صورت‌های خلاف قواعد دستور فارسی و جملات ناتمام، کاربرد منادا و جملات معترضه و دعایی، ساده‌نویسی، جزئی‌نگری، تن‌محوری و بیان احساسات است.

بدین منظور نیازمند مقایسه خاطرات تاج السلطنه با آثار مردانه این دوره هستیم. بنابراین چند متن از متون مشهور درباری دوره انتخاب شده است که عبارت‌اند از خاطرات ملیجک ثانی (عزیز السلطان، ۱۳۷۶)،^(۳) منشآت قائم مقام فراهانی، بخش رسالات و برخی از اخوانیات (فراهانی، ۱۳۸۶)^(۴) و روزنامه خاطرات عین السلطنه^(۵) (عین السلطنه، ۱۳۷۷). اهمیت مورد اول که متن مقایسه‌ای اصلی به شمار می‌رود، به سبب مشابهت ژانر و محتوای آن با خاطرات تاج السلطنه است و دیگر اینکه هر دو نویسنده در یک زمان در دربار ناصرالدین شاه زندگی کرده‌اند؛ تاج السلطنه دختر ناصرالدین شاه و ملیجک پسر خوانده وی است. علاوه بر این، پیکره مورد بررسی از متن خاطرات تاج السلطنه و همچنین خاطرات ملیجک، هر کدام، شامل ۲۰ درصد متن است^(۶) و شماره صفحاتی که بدون تاریخ و نام نویسنده آمده است، ارجاع به متن خاطرات تاج السلطنه است.

ذکر این نکته لازم است که این مقاله از یک روش آماری تجربی بهره گرفته است: در آغاز معیارهای بررسی بیان شده و برای آنها از متن اصلی مثال آورده شده تا همه چیز واضح باشد؛ سپس در پایان هر بخش بسامد آنها در متون مردانه و زنانه قید شده است.

۵- تحلیل زبانی خاطرات

۵-۱- نشان داری واژگان

منظور از نشانه داری واژگان، کلمات و اصطلاحاتی است که براساس آنها می‌توان گفت اثر به چه ژانری تعلق دارد. بر این اساس واژه‌های «قشنگ، خوشگل، شیرین، مژه‌های بلند، سرخ و سفید، لب و دهن خیلی کوچک، ملوس، رنگ سبزه، عروسک‌های ملوس، زشت» رمزگان زنانه محسوب می‌شود و وجود آنها در متن به همراه دیگر عناصری که دال بر زنانگی داشته باشد، متن را به اثری زنانه تبدیل می‌کند. علاوه بر این، لغات لاتین و بسامد چشمگیر آن نسبت به دوره قبل و آثار مردان، خصوصاً آثاری که در بطن تحولات اجتماعی این دوره و گذار جامعه به مدرنیته نوشته شده‌اند، واژگان و اصطلاحات نشان‌دار محسوب گردیده است. اهمیت واژگان لاتین به این دلیل است که زنان بیش از مردان خود را با تغییراتی که دارای جایگاه اجتماعی بالا و پرستیژ است منطبق می‌کنند (کامرون، ۲۰۰۶: ۳۷۴۴) و کاربرد این واژگان در این دوره نمونه‌ای از جستجو برای کسب منزلت است.

منظور از واژگان لاتین در اینجا واژگانی از زبان کشورهای استعمارگر در ایران است که علاوه بر واژگان انگلیسی و فرانسوی، کلمات روسی را نیز در بردارد. این واژگان عبارت‌اند از دان کیشوت، آرتیست، فامیل پرنس دوکنده، اسپارت، آتن، مد، کلید، فرنگ، پارتی، موزیک، پاکت، اسکناس (روسی)، اروپا، لاتار، فرم، پولیتیک، رولسین فرانسه، دفیله، سوسیالیست، شارلاتان، کت، توالت، آنتریک، سوئیت، میلیون، رگلمان، بودجه، کالسکه (روسی) و رمان.

۵۷/۰ درصد از واژگان پیکره متنی واژه لاتین است. این در حالی است که درصد واژگان لاتین خاطرات ملیجک ثانی که در حدود ده سال بعد از نگارش این اثر نوشته شده است، ۱۹/۰ درصد و در پیکره ۲۲۰۰ واژه‌ای از روزنامه عین السلطنه، ۳۶/۰ درصد است. بنابراین می‌توان گفت این ویژگی به عنوان معیاری برای زبانه‌نویسی در اثر برجسته است. بنابراین به دلیل وجود واژگان زبانه در آن و گرایش به نوگرایی (به سبب وجود پربسامد کلمات لاتین) خاطرات تاج‌السلطنه زبانه محسوب می‌گردد.

۵-۲- صورت‌های بیانگر

سازه‌های اولیه برای ایجاد یک جمله فاعل^۱ و فعل است. بعضی از افعال نیاز به مفعول و یا متمم فعلی دارند و مواردی غیر از اینها عناصر غیرضروری است که بیان‌کننده عواطف است؛ مضاف‌الیه، بدل، ممیز، صفت و قید از جمله این موارد است. این موارد در تقابل با اسم (هسته عبارت‌های اسمی دارای نقش‌های اصلی) و فعل قرار می‌گیرد که صورت‌های عقلانی جمله محسوب می‌شود. بنابر این تحلیل، در پیکره خاطرات تاج‌السلطنه (۱۰۰۹۲ واژه)، ۱۰۱۵ واژه از واژگان متن دارای نقش نحوی صفت است (مسندهایی که از نظر صرفی صفت است، محاسبه نشده است)؛ ۱۱۶۹ قید و عبارت قیدی، ۱۲۵۲ عبارت فعلی و ۱۶۰۵ عبارت اسمی وجود دارد که ۵۲ درصد از آن هسته عبارت اسمی یعنی عنصر اجباری و ۴۷ درصد عناصر بیانگر و غیرضروری (وابسته عبارت اسمی) است. میزان این عبارات به همراه همین آمار در خاطرات ملیجک، براساس درصد، در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱- ساختار جمله براساس درصد

موضوع	صفت	هسته اسمی	وابسته اسمی	عبارت اسمی	عبارت فعلی	عبارت قیدی
تاج السلطنه	۱۰.۰۵	۵۲.۹۶	۴۷.۰۳	۳۹.۸۶	۳۱.۰۹	۲۹.۰۳
ملیجک ثانی	۴.۵۵	۶۵.۸۶	۳۴.۱۴	۴۱	۳۴	۲۸

۴۸ درصد متن تاج السلطنه نقش بیانگر (مجموع عبارات قیدی و وابسته گروه‌های اسمی) دارد، ۵۲ درصد متن حاوی دلالت عقلانی (مجموع هسته گروه اسمی و گروه فعلی) است و ۱۰ درصد متن صفت است. این در حالی است که ۳۹ درصد خاطرات ملیجک دارای نقش بیانگر، ۶۱ درصد حاوی دلالت عقلانی است و ۴/۵۵ درصد از آن صفت است. بنابراین بسامد نقش‌های بیانگر از جمله قید و صفت در خاطرات تاج السلطنه بیشتر از خاطرات ملیجک است. این تفاوت را می‌توان در نمونه‌های زیر دید:

به کلی غرق خیالات جدیدی و آن عقاید کهنه به کلی خارج شده بود. در آن زمان تصور می‌کردم اگر اطاعت شوهر را نکنم یا به حرف مادرم مطیع نباشم ناچار در آتش جهنم می‌سوزم، پس تبعیدی و ترس قبول داشتیم، اما حالا خیر. می‌گفتم انسان مختار و آزاد خلق شده انسان خلق شده برای خورد، خواب، عیش، عشرت، آزادی. و به همین قسم کم‌کم خیال آزادی در من قوت پیدا می‌کرد. از بس که تاریخ و رمان‌های فرنگی را این معلم من خوانده بود و تعریف شهرهای قشنگ روی دنیا کرده بود و به من حالی کرده بود فقط دنیا همین تهران نیست من دیوانه‌وار میل رفتن اروپا را داشتم و همین میل در من قوت گرفت و باعث متارکه من با شوهرم شد (۱۱۰).

حاجی اکبر لله که معروف به حاجی لله بود نوکر قهوه‌چی باشی قدیم ناصرالدین شاه بود. با او به مکه معظمه رفته و حاجی شده بود و خودش را به دستگاه امین اقدس انداخته به وسیله آغا بهرام لله من شده بود. بعد از سفر خراسان منصب فراش خلوتی هم به او داده شد که در دربار حق ورود داشته باشد. باری، عبدالله خان بعد از یک ماه بنای خصومت را با حاجی اکبر لله گذاشته بود. من هم بی‌نهایت عبدالله خان خواجه را دوست می‌داشتم هر چه خوراکی می‌خواستیم، گرچه برایم بد بود، با هزار حقه و کلک و هر طوری میسر بود به من می‌رسانید و می‌خوردیم. این بود که اغلب ناخوش بودم، زرد و لاغر بودم، بیشتر برای همان خوراکی‌هایی بود که عبدالله خان خواجه پنهانی به من می‌داد، مخصوصاً پسته‌های دامغان را که برای من مثل زهر هلاهل بود، مرتباً و مخفیانه به من می‌خورانید. پرستار و کلفت من هم یک دختر ترکمان بود که جو جوق خانم نام داشت، درواقع مرده من بود (عزیز السلطان، ۱۳۷۶، ۷۶).

جدول ۲- ساختار جمله در نمونه متون

موضوع	صفت	هسته اسمی	وابسته اسمی	عبارت اسمی	عبارت فعلی	عبارت قیدی
تاج‌السلطنه	۹	۵۳	۴۷	۳۰	۳۲	۳۷
ملیجک‌ثانی	۵	۵۶	۴۴	۴۲/۵	۳۱	۲۷/۵

در نمونه تاج‌السلطنه، ۵۱ درصد دارای نقش بیانگر و ۴۹ درصد حاوی دلالت عقلانی است؛ و در نمونه خاطرات ملیجک، ۴۴ درصد نمونه دارای نقش بیانگر و ۵۶ درصد حاوی دلالت عقلانی است.

۵-۳- زبان گفتاری

سبک نوشتار زنان به نسبت مردان ساده‌تر است؛ و آنان از عوامل زبرنجیری و غیرزبانی (لحن، آهنگ، مکث و تکیه) و اشکال دال بر ابهام بیش از مردان استفاده می‌کنند (لیکاف، ۱۹۹۰: ۲۰۴). بسامد جملات ناتمام و حذف عناصر نحوی در کلام زنان بیش از سخن مردان است، زیرا زنان «چندان علاقه‌ای به تکمیل بحث ندارند» و مایل‌اند کلامشان قطع شود (فتوحی رودمعجنی، ۱۳۹۰: ۳۹۹). به نظر می‌رسد گرایش زنان به اینکه همان‌طور که حرف می‌زنند بنویسند، بیش از مردان است؛ به عبارت دیگر، گرایش زنان به زبان گفتاری بیش از مردان است. بنابراین فرض، به بررسی میزان کاربرد زبان گفتاری در برخی سطوح پرداخته‌ایم که عبارت از موارد زیر است:

عوامل زبرنجیری: به کارگیری عوامل غیرنوشتاری برای انتقال معنا یکی از ویژگی‌های کلام گفتاری است (پورمظفری، ۱۳۹۰: ۴۱). این موارد عبارت‌اند از آهنگ، مکث و تکیه. برای مثال می‌توان به عدم استفاده از حرف ندا برای منادا (مانند «معلم من!» به جای ای معلم من!) اشاره کرد. در جمله «از این جنس متعدد در حرمسرای خود جمع نموده بود» (۱۵). «متعدد» قید برای جنس است که معنا و نقش دستوری‌اش صرفاً از طریق مکث بر روی آن فهمیده می‌شود. جمله «این زن و شوهری که عشق انتخاب کرده» (۱۰۱) با این معنی که عشق این زن و شوهر را برای هم انتخاب کرده‌است، با قرار دادن تکیه جمله بر عشق فهمیده می‌شود. این مورد به دلیل امکان خوانش‌های متفاوت قابل بسامدگیری نیست؛ از طرف دیگر، این موارد که امکان خوانش‌های متفاوت را براساس

مکت، تکیه و آهنگ ایجاد می‌کند، در خاطرات ملیجک دیده نمی‌شود.

جملات ناتمام: در این مورد، جملات به پایان نرسیده تمام می‌شوند و در برخی موارد، حذفِ پایان جمله به قرینه معنوی است:

مال مردم جان مردم ناموس مردم تمام در معرض خطر و تلف. تمام اشخاص بزرگِ عالی عاقل خانه‌نشین، تمام مردم مفسد بی‌سواد ناتجیب مصدر کارهای عمده بزرگ (۸۸)؛ این سرای واقع شده بود در میان شهر که با یک حدودی محدود و او را ارک می‌نامیدند (۱۳)؛ و در آن زمان لقب کلیتا دارای مقامات عالیه بود. سرداری که به طریق اکمل اولی (۴۳)، تقریباً هزار خوانچه اقسام شیرینی‌ها میوه‌ها با چندین سینی‌های طلا پر از جواهرات الوان برای این شیرینی‌خوران تهیه و با موزیک، اجماع غریبی از امراء صاحبان منصب و اشراف، آورده (۲۷)؛ یک صبحی که در حضور پدرم بودم و جمع کنیری از خانم‌ها ایستاده بودند چند مجموعه در سر خواجه‌ها و به حضور آوردند (۲۳).

صورت‌های مبهم و غیرصریح زبان: ^(۸) این موارد در متن عبارت‌اند از هر، همه، هیچ، قدری و به قدری، کسی، یکی از، چیز، فلانی، بعضی (نک. فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۲۴۳ و ۳۲۵)، اغلب خانواده‌ها، تقریباً، چند، انواع و اقسام، بیست‌سی نفری، دو سه نفر، دو سه ساعتی، چندان، شرحی، پنج شش.

تشدیدکننده‌ها: ^۱ این موارد در متن عبارت‌اند از «خیلی» و مترادفاتی همچون بی‌اندازه، فوق تصور، فوق العاده و بس (بسیاری):

یک نفرت فوق تصویری نسبت به او در من تولید شد و تمام زندگانی را سراسر غیرقابل و خسته‌کننده می‌دیدم» (۸۵)؛ و در راه خیلی سخت گذشت زیرا که مصاحب عزیز و هم سفر مطبوع من خبر مرگ کسی را در راه شنید که فوق العاده او را دوست می‌داشت (۹۲).

صورت‌های خلاف دستور: در این مورد می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

از این صدایی که هیچ منتظر شنیدن نبودم و خود را تنها تصور می‌کردم یک حرکت سریع شدیدی در من تولید کرد (۵)؛ «طبیعت‌های بی‌عیب نقص با امتداد معاشرت‌های نالایق خلل‌پذیر می‌شود باید همیشه انسان خوب برای معاشر دائمی خود فکر نمود (۲۸)؛ مرا در حضور معبود من با این جوان ناشناس و کسی را که من دوست نمی‌دارم و به اخلاقی عادت ندارم و ابداً نمی‌فهمم وضع زندگانی او چیست برای من مونس ابدی قرار دادند (۳۲).

با مقایسه میزان کاربرد این موارد در خاطرات تاج‌السلطنه و ملیجک که براساس درصد در جدول شماره ۳ آمده‌است، می‌توان دریافت کاربرد این شاخصه‌ها در خاطرات تاج‌السلطنه بیشتر است.

جدول ۳- شاخصه‌های زبان گفتاری

موضوع	صورت‌های غیرصریح و مبهم	تشدیدکننده‌ها	جملات ناتمام	خلاف دستور
تاج‌السلطنه	۲/۴	۰/۹۱	۱/۸	۱/۲
ملیجک‌ثانی	۲/۱	۰/۸۱	۰	۰/۸

۵-۴- ساده‌نویسی

این دیدگاه وجود دارد که شکل نوشتار زنان به سادگی گرایش دارد، «زیرا چه گفتن در اولویت است تا چگونه گفتن» (فتوحی رودمعجنی، ۱۳۹۰: ۴۱۴)؛ به عبارت دیگر:

سبک‌های مصنوع و ترکیبی با جمله‌های بلند و واژه‌گزینی دشوار که در تاریخ‌نویسی، نگارش منشیانه و وقایع‌نگاری دربارهای ایران رواج داشته، پیوند مستقیمی با قدرت و اراده اقتدارگرایی مردان داشته‌است. اگر نگارش اقتدارگرا را متمایل به صنعت‌ورزی، پیچیدگی و کلان‌نگری بدانیم، نوشتار ساده و بی‌پیرایه زنانه در تقابل با آن قرار می‌گیرد که در پیوند مستقیم با امور جزئی زندگی عادی است» (همان).

در اینجا با توجه به معیارهای زبانی عربی‌گرایی، نوع دستوری جملات، طول جمله و ویژگی‌های نثر منشیانه، ساده‌نویسی را در خاطرات تاج‌السلطنه بررسی می‌کنیم. از آنجا که خاطرات ملیجک به سبب عوام‌گونه بودن با سبک منشیانه و متمایل به مصنوع متفاوت است، به‌تنهایی مبنای مناسبی برای مقایسه نیست. بدین منظور خاطرات با بخش رسالات منشآت قائم‌مقام نیز مقایسه شده‌است. وجود برخی شباهت‌ها همچون تشابه محتوایی دو اثر در برخی جنبه‌ها که در انتخاب پیکره متنی منشآت در نظر گرفته شده‌است، تمایل تاج‌السلطنه به ادبی نوشتن و تصنع (۲۰) امکان مقایسه این دو اثر را در این مرحله فراهم آورده‌است.^(۱۰) از طرف دیگر، در این مقاله سعی شده صرفاً متون درباری بررسی گردد. نوشتارهایی مانند متون عارف و یا امین‌الدوله متون درباری محسوب نمی‌شود، با این حال، برای نشان دادن نزدیکی ضریب همبستگی نوشتار تاج‌السلطنه و قائم‌مقام و عدم همبستگی بین متن تاج‌السلطنه و ملیجک (به عنوان اثری درباری) و امین‌الدوله (به‌عنوان اثری غیردرباری) در یادداشت ۲ به بررسی قسمتی از

نوشتار این افراد که در یک موضوع (توصیف یک شخص) اتحاد دارد، پرداخته شده است.^(۱۰)

ویژگی‌های نثر منشیانه: در این مورد میزان جملات عربی و شعر به عنوان دو معیار اصلی بررسی شده است. نتایج بدین صورت است که ۳۵ درصد جملات منشآت دارای یک عبارت (جمله‌واره) عربی و ۳۰ درصد دارای یک بیت شعر است؛ این در حالی است که هیچ جمله عربی در خاطرات وجود ندارد و تنها ۲/۴۳ درصد جملات دارای یک بیت شعر است. علاوه بر این سبک خاطرات به دور از اطناب است. در نمونه‌های زیر که هر دو در یک موضوع (توصیف شخص) است و حجم تقریباً یکسانی دارد، می‌توان این مورد را ملاحظه کرد:

نشاط: نام نامیش میرزا عبدالوهاب از جمله سادات جلیل‌الشان است و مولد شریفش محروسه اصفهان. در بدایت سن و اوایل حال چنان مولع به کسب کمال بود که اندک وقتی در فنون ادب بر فحول عرب فایق آمد و در علوم و حکم بر عرب و عجم سابق گشت. حضرتش مرجع علماست و مجمع ندما، و مبحث اشراق و منشأ، و محفل انشاد و انشاء. غالباً صرف همت در علم حکمت می‌کرد و توسن طبع را به طبیعی و ریاضی ریاضت می‌فرمود، و چون از مباحثه حکیمان ملول می‌شد به مصاحبت ندیمان مشغول می‌گشت؛ و از مسائل علم و فضل، رسایل نظم و نثر می‌پرداخت... (فراهانی، ۱۳۸۶: ۳۸۳)

این جوان، تولد شده است در ۱۱ محرم ۱۳۰۷. در مدرسه مقدماتی مشغول تحصیل شده. در سن ۱۷ سالگی، در ۱۳۲۴، داخل در انجمن فقر و عرفان شده قریب دو سه سال، در ریاضت زحمت پیروی عرفا و شعرا بوده بعد به مدرسه سیاسی داخل شده. از آنجا هم خیلی زود خسته، خارج شده و به مدرسه صنایع مستظرفه داخل دو سال است مشغول نقاشی می‌باشد. از تغییر و تبدیل زندگانی او، خوب ما می‌توانیم به اخلاق او پی برده، بفهمیم که این جوان، خیلی متلون و دارای یک عزم راسخی نبوده است. از قرار تحقیق، در سن هیجده‌نوزده، یک شخص موهومی را در عالم خیال دوست می‌داشته و تمام حرکات دان کیشوت معروف را می‌کرده است (۶).

نوع جملات: انتخاب جمله ساده یا مرکب، به منظور بیان پیام، گزینش معناداری است. ارتباط قوی بین اطلاعات یک بخش که در بندهای پیچیده صورت می‌پذیرد، فهم متن را دشوار می‌کند و نشان می‌دهد متن با برنامه و هدفمند نوشته شده است؛ اما ارتباط ساده در بین بندهای متن که به نظر می‌رسد صرفاً با یک ریسمان به یکدیگر متصل شده‌اند، نشان از سهولت در فهمیدن و عدم هدفمندی دارد (تامپسون، ۲۰۰۴:

۱۹۶). پیکره مورد بررسی براساس قواعد دستوری جمله، دارای ۷۴۵ جمله مستقل است که ۱۰۰ مورد آن جمله ساده (۱۳/۴۲٪)، ۳۲۹ جمله مرکب هم‌پایه (۴۴/۱۶٪) و ۳۱۷ مورد جمله وابسته (۴۲/۵۲٪) است. این درحالی است که این آمار در خاطرات ملیجک به ترتیب عبارت است از ۲۶٪ جمله ساده، ۳۷٪ هم‌پایه و ۳۷٪ وابسته. در منشآت قائم‌مقام ۱۴/۶ درصد از جملات ساده، ۳۸/۸ درصد هم‌پایه و ۴۶/۶ درصد جمله مرکب وابسته است. بر این اساس که جملات ساده و هم‌پایه معیاری برای ساده‌نویسی و عدم پیچیده‌گرایی و جملات مرکب وابسته به‌عنوان معیار فرایندهای ذهنی پیچیده در نظر گرفته شده‌است، تاج‌السلطنه بیش از ملیجک و کم‌تر از قائم‌مقام از فرایندهای ذهنی پیچیده استفاده کرده‌است.

طول جمله: درمقایسه معدل واژگان جمله، مبنای شمارش جملات، استقلال محتوایی است؛ بدین معنی که هرگاه جمله از لحاظ معنایی به پایان رسید و به جایی رسیدیم که می‌توان در آنجا مکث کرد، جمله به پایان می‌رسد. بر این اساس جمله «مرا به مکتب‌خانه برده خلعت‌ها داده جشن‌ها گرفته، لیکن من خیلی محزون و ملول بودم که آزادی بازی از من سلب، و از اسباب‌بازی قشنگ عروسک‌های ملوس خود جدا شده‌ام» (۲۰)، یک جمله در نظر گرفته شده‌است. بدیهی است هرچقدر واژه‌های جمله بیشتر باشد، پردازش ذهنی جمله دشوارتر و درک معنا سخت‌تر می‌گردد. بر این اساس طول جملات در منشآت ۳۶ واژه، در خاطرات ۲۱/۵۲ و در خاطرات ملیجک ۱۸/۸۳ واژه است. بنابراین جملات تاج‌السلطنه کوتاه‌تر از جملات قائم‌مقام است.

عربی‌گرایی: واژگان متن برای محاسبه میزان واژگان عربی براساس اسم، صفت، قید بسیط، ضمیر، حروف ربط مرکب (چه هم‌پایه‌ساز و چه وابسته‌ساز) و عبارت فعلی (هر عبارت فعلی به عنوان یک واژه) در نظر گرفته شده‌است. اجزای عبارت‌های قیدی به صورت اسم، صفت و... محاسبه شده‌است. بر این اساس متن ۶۳۱۵ واژه دارد که بسامد واژگان عربی و عربی-فارسی به ترتیب عبارت‌اند از ۳۵/۱۸ و ۸/۹۶ درصد. منظور از واژگان عربی-فارسی واژه‌هایی است که بخشی از آن فارسی و بخش دیگر عربی است؛ همچون غم‌آلود، حیرت‌آور، همین‌طور، بلکه و بی‌وفایی. اگر واژگان فارسی-عربی را هم جزو واژگان عربی حساب کنیم، درصد واژگان عربی به ۴۴/۱۴ درصد می‌رسد. این درحالی است که معدل واژگان عربی در متون آن دوره (حدود ۱۳۰۰ ش) ۸۰ درصد

بوده است (شعار، ۱۳۴۴: ۳). بر این اساس نتیجه می‌گیریم که میزان واژگان عربی در خاطرات تاج السلطنه بسیار کم است.

بنابراین خاطرات تاج السلطنه به علت جملات کوتاه، عدم عربی‌گرایی، نداشتن اطناب، میزان پایین شعر و عدم توجه دقیق به صناعت‌ورزی که از مصادیق سبک منشیانه و اقتدارگرا است، نسبت به منشآت، به ساده‌نویسی گرایش دارد.

۵-۵- جزئی‌نگری

مقوله مطلق و مقید: محدوده معنا و مصداقات یک اسم می‌تواند به وسیله یک یا چند واژه تنگ‌تر و جزئی‌تر گردد. به عنوان مثال کتابخانه با اضافه شدن به کتاب که یک اسم عام است، آن را تبدیل به اسم خاص می‌کند؛ اگر واژه‌ای دیگر مثل دانشکده را به این عبارت اضافه کنیم (کتاب کتابخانه دانشکده)، جزئیات بیشتری را بیان کرده و دامنه معنایی آن را محدودتر کرده‌ایم. بنابراین براساس میزان وابسته‌های گروه اسمی نسبت به هسته‌های این گروه‌ها، می‌توان میزان خاص و عام بودن (مطلق و مقید بودن) واژگان را مشخص کرد. اگر چه نمی‌توان به طور دقیق بین عبارات خاص، خاص‌تر و اخص تمایز گذارد، این بررسی امکان مقایسه اثر را با آثار مردانه فراهم می‌آورد.

در گروه‌های اسمی پیکره مورد نظر، ۳۳۴۵ واژه شامل اسم، صفت، قید اسم و ضمیر و ۱۷۶۹ عبارت اسمی و در نتیجه ۱۷۶۹ هسته گروه اسمی و ۱۵۹۳ وابسته وجود دارد. بدین معنا نهم‌دهم هسته‌ها دارای وابسته است که اطلاعات اضافی به هسته می‌دهد و هسته را از صورت عام به خاص تبدیل می‌کند. به عبارت دیگر، تقریباً همه هسته‌ها دارای یک وابسته است؛ این در حالی است که نسبت وابسته به هسته گروه‌های اسمی در خاطرات ملیجک حدود یک‌سوم (۳۵ به ۶۵ درصد) و روزنامه خاطرات عین السلطنه نیز به همین میزان (۳۶ به ۶۴ درصد) است. مقایسه این اعداد نشان‌دهنده این است که میزان واژگان خاص در خاطرات تاج السلطنه بیشتر و در نتیجه جزئی‌نگری در این اثر بیش از آثار مردانه است.

توصیفات جزئی: با مقایسه توصیف یک پدیده مشترک (توصیف یک عمارت) در خاطرات تاج السلطنه و ملیجک می‌توان به شواهد قابل ملاحظه‌ای در زمینه جزئی‌نگری دست یافت:

این سرای واقع شده بود در میان شهر که با یک حدودی محدود، و او را ارک می‌نامیدند. حیاطِ خیلی بزرگ و وسیعی و به فرم صد سال پیش ساخته شده بود. این عمارت مذکور، تمام اطراف او، شرق و غرب جنوب و شمالش، ساخته شده بود از اتاق‌های متصل به هم. و تمام دور این حیاط دو مرتبه بود. در وسط این حیاط عمارتی بود سه‌مرتبه که از حیاط مفروض شده بود با یک نرده آهنین آبی‌رنگ. درحقیقت یک کلاه‌فرنگی قشنگی بود و به انواع اقسام زینت داده شده به مد امروز (۱۳).

[عمارت قدیم] به وضع قدیم و حیاط‌های فراوانی توی هم بود. یک تالار بزرگ که در موقع بهارها که هوا سرد بود، شاه در آنجا استراحت می‌فرمودند و در همان تالار یک چهلچراغ بزرگ آویزان بود (عزیزالسلطان، ۱۳۷۶: ۵۱).

حجم توصیفی که تاج‌السلطنه به این عمارت اختصاص داده‌است، سه‌برابر حجم توصیف آن در خاطرات ملیجک است؛ علاوه بر اینکه تاج‌السلطنه با ریزبینی زنانه‌ای که دارد امکان تجسم ذهنی آن مکان را فراهم آورده‌است.

۵-۶- وجهیت

یکی از مسائل اصلی در بررسی سبک نوشتار زنانه، این فرضیه است که زنان کم‌تر از موضع قدرت سخن می‌گویند. به عبارت دیگر، «زنان نمی‌توانند خود را به عقیده واحدی متعهد کنند... و آنها از صورت‌های آوایی [ای] که شبیه پرسش و یا نشانه عدم اطمینان باشد، استفاده می‌کنند» (لیکاف، ۱۹۹۰: ۲۰۴) و وجهیت در سخن زنان، به علت فرودستی پایگاه آنان (محمدی اصل، ۱۳۸۸: ۱۷) دارای درجات حداقلی است.

نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی می‌تواند در بررسی میزان این وجهیت راهگشا باشد؛ بر این اساس «یک پیام یا مثبت است یا منفی و فعل باید مثبت یا منفی باشد. از لحاظ معنایی حالت‌های میانجی بین دو قطب مثبت و منفی وجود دارد ... که از طریق وجهیت بیان می‌شود» (تامسون، ۲۰۰۴: ۶۶). بدین صورت، معنای اولیه وجهیت فاصله بین بله و خیر است و درجه وابستگی به قطب مثبت یا منفی نشان‌دهنده درجه وجهیت است. در برخی موارد وجهیت به این پرسش مرتبط می‌شود که اطلاعات چقدر معتبر است که شامل دو نوع است: ۱- احتمال^۱ نشان‌دهنده این است که احتمال صحت اطلاعات چقدر است. قیود مربوطه عبارت‌اند از احتمالاً، شاید، مطمئناً و...؛ ۲- معمولیت^۲.

1. Probability
2. usuality

نشان دهنده این است که اطلاعات از لحاظ بسامد چقدر درست است. «گاهی اوقات»، «اغلب»، «همیشه» از جمله این نوع قیود است. علاوه بر این وجهیت بر چگونگی اطمینان گوینده نیز مربوط می‌شود. در این صورت وجهیت از نوع التزام^۱ است. تعهد به معنی میزان درجه تعهد زبانی نویسنده نسبت به دیگران در اجرای فرمان است. نمونه‌های این نوع قید «جوازاً»، «الزاماً» و «مقتضیاً» است (همان: ۶۷).

در این پیکره ۱۴۴ قید و بعضاً جمله وجهی وجود دارد که ۳۴/۰۲ درصد از آن قید احتمال، ۴۷/۲۲ درصد مربوط به قیود معمولیت و ۲۵/۶۹ درصد قید تعهد است. درجه وجهیت در این قیود و جملات در سه سطح درجه بالا، متوسط و پایین دسته‌بندی شده است که شرح مفصل آن، براساس درصد، در جدول شماره ۴ آمده است. نمونه این قیدها نیز در جدول شماره ۵ آمده است.

جدول ۴- بسامد قید وجهی

درجه وجهیت	التزام	معمولیت	احتمال	درصد کل
بالا	۱۰۰	۶۱/۷۶	۲۷/۶۰	۶۳/۱
متوسط	---	۲۷/۹۴	۱۷/۲۳	۱۵/۰۵
پایین	---	۱۰/۲۶	۵۵/۱۷	۲۱/۸۲

جدول ۵- قید وجهی

درجه وجهیت	التزام	معمولیت	احتمال
بالا	باید، مجبوراً، ناچار	همیشه، هیچ، هرگز، همواره	درواقع، حقیقتاً و یقیناً
متوسط	---	اغلب اوقات، غالباً، تقریباً	شاید، عجلتاً، از قرار تحقیق
پایین	---	گاهی، گه‌گاهی	جمله قیدی با فعل توانستن و ممکن بودن

ناگفته نماند که «باید» - که در جدول شماره ۴ به عنوان قید با درجه بالای التزام آمده است - بیان هنجار است؛ به این معنا که نویسنده به جای توصیف وضعیت و رخداد

1. Obligation

۲- درحقیقت درجات متوسط و پایین قیده‌های التزام شامل درجات متوسط و پایین قیده‌های احتمال می‌گردد که به دلیل ذکر این موارد به صورت جداگانه ذیل عنوان «احتمال» از آوردن دوباره این موارد خودداری گردیده است. به عبارت دیگر، قیده‌های التزام به صورت حداکثری است و دارای درجات پایین نیست.

به حوزه مسائل اخلاقی وارد می‌شود و به بیان هنجارهای اخلاقی می‌پردازد (دایک، ۲۰۰۶: ۸۳۶۱) و بنابراین دارای بالاترین درجه تعهد است.

نتیجه حاصل از بررسی وجهیت این است که نویسنده در مورد احتمال صحت اطلاعات اطمینان زیادی ندارد و جملاتی مانند «آن مقدار راحت و سعادت را که ممکن است مالک بشویم از دست می‌دهیم» (۲۱) در متن بسیار است. از لحاظ بسامد رخ دادن، در نظر نویسنده، حوادث اکثراً به طور مداوم پیش می‌آمده‌است؛ مانند «و من باز در یک وادی حیرت و سرگردانی گم و گیج شده به هیچ قسمی راه علاج نمی‌دیدم، اغلب اوقات ما را به حضور شاه می‌بردند» (۷۰) و نویسنده در التزام نسبت به کلام کاملاً مطمئن و متعهد است، که به‌عنوان نمونه می‌توان به این جمله توجه کرد: «از جمله هر کدام دارای صورت خوبی بودند ناچار باید اسباب دلخوشی و اشتغال سایرین بشوند» (۷۲)؛ با این حال، به طور کلی می‌توان گفت درجه وجهیت در کلام تاج‌السلطنه بالا است (۶۳٪) و وی از جایگاه قدرت و موضع اقتدار سخن گفته‌است. این ویژگی که البته در تقابل با زنانه‌نویسی است، به سبب موقعیت خانوادگی و طبقه اجتماعی نویسنده است.

۵-۷- بیان احساسات

یکی از اهداف اصلی تاج‌السلطنه برای نوشتن، بیان احساس شخصی است. به طور کلی خاطرات در ارتباط با دو ژانر اصلی است: روایت شخصی (۵۱٪) و شرح تاریخ (۴۹٪)؛ هر کدام از این دو ژانر دارای موضوعات جزئی متعددی است. گرچه با ابزارهای کمی نمی‌توان به میزان دقیق و بررسی جامع عوامل کیفی و مفهومی دست یافت، می‌توان میزان بازتاب آنها را در زبان بررسی کرد، زیرا زبان ابزار بیان اندیشه است. بر این اساس بیان عواطف و احساسات شخصی که حدود ۳۰ درصد از بخش روایت شخصی را به خود اختصاص داده‌است، به صورت‌های گوناگون در میان موضوعات دیگر نیز بیان می‌شود.

جدول ۶- موضوعات خاطرات تاج السلطنه

موضوعات روایت شخصی	خاطرات	بیان احساسات	توصیف فضا	توصیف اشخاص	رسوم زنان	مادريت	نقد زنان
درصد	۴۶/۱	۲۹/۶	۱۰/۵	۷/۱	۲/۷	۳/۶	۱۱/۲
موضوعات شرح تاریخ	اخلاق و تربیت	علم	شرح تاریخ	انتقاد از شاه	انتقاد اجتماعی و اصلاح‌طلبی	وطن پرستی	مشروطه‌خواهی و ضد نژادپرستی
درصد	۹/۶	۳/۶	۲۷/۲	۷/۵	۲۲/۳	۱	۵/۱

بیان احساسات و عواطف به اشکال مختلف تحقق می‌یابد. روش‌های عمده بیان احساسات در خاطرات تاج السلطنه عبارت‌اند از: آوردن صفت و قید: «در این بین‌ها یک طفل هشت‌ساله خیلی سفید و چاق ولی بی‌اندازه شیرین و ملوس با کلاه و لباس نظامی وارد اتاق گشته یکسره به طرف آن خانم رفته در زانوهای او قرار گرفت... خیلی متوحش غمناک از آنجا بیرون آمدم» (۲۶)؛ جمله تعجبی: «بیچاره من که اسیر و کنیز با جواهرات و تزئینات ظاهری، فروخته شدم!» (۲۸)؛ جمله معترضه و تأکید: «نه اینکه خدای نخواستہ من در اینجا مادر مقدس محترمه خود را تکذیب نمایم، نه» (۷)؛ جمله دعایی و منادا: «افسوس! ای معلم عزیز من! که تمام غرق غفلت بوده و بویی از انسانیت به مشامشان نرسیده و به قدری آلوده به رذائل و بدی‌ها بودند که در قرن‌ها خرابی به بار گذاشته‌اند که اصلاح‌پذیر نیست» (۱۷)؛ تغییر لحن و تکرار: «هرکس به آنها تعظیم کرده یا از ترس بوده یا از احتیاج، هرکس به ایشان محبت کرده یا پول خواسته یا جواهر؛ هرکس به آنها خدمت کرده یا حکومت خواسته یا امتیاز» (۴۶)؛ تغییر محل تکیه و جملات ناتمام: «و از هیچ حرکت وحشیانه روگردان نبود و دارای اخلاق رذیله، حتی قتل» (۱۸)؛ پرسش: «اگر این پدر تاجدار من خود را وقف عالم انسانیت و ترقی ملت خود و معارف و صنایع می‌نمود چقدر بهتر بود تا اینکه مشغول یک حیوانی؟» (۱۶)؛ کلمات مصغر: «در همین ایام از طرف خانواده شوهر من اجازه عروسی مرا از پدرم خواسته و این درد تحمل‌ناپذیری بود برای این جوانک» (۴۳)؛ جملات عاطفی: «به‌همین جهت من با خود عهد و پیمان کرده بودم ابتدا احدی را دوست نداشته با نوع بشر خیلی بدرفتار باشم» (۲۳) و «بالاخره من به او گفتم که تو را دوست می‌دارم... به همین دلیل دیدن او و

شنیدن کلمهٔ محبت‌آمیزی چنان غرق سعادت و مسرت بودم که دنیا و هرچه درو بود را فراموش کرده بودم» (۸۵).

موارد قابل بسامدگیری را می‌توان منادا، جملات دعایی و جملات معترضه دانست که به ترتیب ۲/۱۴، ۳/۲۲ و ۱/۰۷ درصد است؛ این درحالی است که بسامد این موارد در خاطرات ملیجک صفر است. علاوه بر این کاربرد ۱۰/۰۵ درصدی تاج‌السلطنه و ۴/۵۵ درصدی ملیجک از صفت، نشانگر وجود بیان احساسات بیشتر در این اثر زنانه است، زیرا صفت، زمانی که در جمله دارای نقش نحوی است، بیش از آنکه نقش اساسی در جمله داشته باشد، حامل کارکرد بیانگری است.

۵-۸- از تن‌نویسی

اهمیت و جایگاه بدن و محوریت تن از دیگر ویژگی‌های نوشتارهای زنانه است. در این زمینه به بررسی میزان فرایندهای رفتاری و واژگان و اصطلاحات مرتبط با اعضای بدن پرداخته می‌شود.

فرایندهای رفتاری: فرایندهای رفتاری همچون نفس کشیدن، رقصیدن و خواب دیدن تجربهٔ ذهنی و درونی است که به صورت تجربه و عمل بیرونی آشکار می‌شود (هلیدی و متیسون،^۱ ۲۰۰۴: ۲۵۱)، بوسیدن، نوازش کردن، لرزیدن قلب و نمناک شدن بدن در جملهٔ «وقتی که مادرم برادرم را می‌بوسد، نوازش می‌کند، قلبم مرتعش و یک عرق سردی پیشانیم را نمناک می‌نماید» (۲۳)، و خوابیدن، خواب دیدن، از خواب برخاستن و گریه کردن در «هر شب گریهٔ زیادی کرده می‌خوابیدم و بالاستمرار پدرم را خواب می‌دیدم. اغلب شب‌ها را اقلماً تا صبح ده مرتبه از خواب برمی‌خواستم به صدای بلند گریه می‌کردم» (۶۶)، فرایندهای رفتاری است. بر این اساس ۲۰/۲۲ درصد فرایندهای موجود در پیکرهٔ توصیف شخص فرایندهای رفتاری است.

عبارات مرتبط با بدن: این واژگان و اصطلاحات شامل اعضای بدن مانند چشم، دهان، زانو و...؛ موارد مرتبط با بدن مانند سن، اشک، بوسه، لباس؛ و توصیفات عینی بدن مانند سرخی گونه، سیاهی چشم، زیبایی چهره، چاقی و موارد این چنینی است که در مجموع ۱۶/۲۶ درصد واژگان این پیکره را به خود اختصاص داده‌است.

میزان فرایندهای رفتاری در خاطرات ملیجک در پیکره‌ای مشابه با پیکره مورد نظر در خاطرات تاج السلطنه ۸/۶۸ درصد و میزان واژگان و اصطلاحات مرتبط با بدن ۲/۲۱ درصد است. بنابراین بسامد تن محوری در خاطرات تاج السلطنه بیشتر است.

۶- نتیجه‌گیری

وجود واژگان نشان‌دار زنانه و گرایش به نوگرایی، بسامد بالای صورت‌های بیانگر مانند قید و صفت، عوامل تشدیدکننده، صورت‌های مبهم و خلاف دستور، جملات ناتمام، کاربرد منادا، جملات معترضه و دعایی، گرایش به ساده‌نویسی و جزئی‌نگری، در مقایسه با آثار مردان دوره، نشان‌دهنده مشخصه‌های زنانه در خاطرات تاج السلطنه است؛ اما وجود وجهیت بالای خاطرات و میزان قابل ملاحظه‌ای از جملات مرکب وابسته (۴۲/۵٪) که نشان از قدرت و اقتدار نویسنده و استفاده از فرایندهای ذهنی پیچیده دارد، موارد نقیض سبک زنانه است که به علت جایگاه اجتماعی و فردی نویسنده نمود یافته است. عضو خانواده سلطنتی بودن باعث شده نوشتن از موضع پایینی قدرت که از ویژگی‌های نوشتار زنانه به‌شمار می‌رود، در نثر وی جایگاهی نداشته باشد و نیز سواد و تحصیلات وی سبب شده وی بتواند از فرایندهای ذهنی پیچیده و صورت‌های استدلالی در کلام استفاده کند؛ علاوه بر این، بیان احساسات و از تن‌نویسی نیز از مصادیق سبک زنانه تاج السلطنه محسوب می‌شود.

پی‌نوشت:

۱- شبهه انتساب نویسنده خاطرات را ایرج افشار مطرح کرده است. وی در مقاله‌ای با عنوان «خاطرات تاج السلطنه؟»، پس از توصیف اثر با ذکر دلایلی همچون تشابه شیوه نگارش اثر با شیوه نگارش زمان ما، ذکر نکته‌هایی در خاطرات که با تاریخ تعارض دارد و حاکم بودن سبک نگارش مردانه بر اثر از جمله به‌کاربردن کلمات ثقیل عربی (افشار، ۱۳۸۴: ۱۹ و ۲۰)، نویسنده کتاب را تاج السلطنه نمی‌داند. چیزی که در مورد خاطرات تاج السلطنه کاملاً مشخص است، این است که راوی اثر شخص تاج السلطنه است و حوادث دوره ناصرالدین‌شاه و چندی بعد از آن از زبان وی روایت شده است؛ اما اینکه آیا نویسنده هم تاج السلطنه است و آیا سال نگارش اثر همان است که در متن آمده (۱۳۳۲ق)، پرسش‌هایی است که باید به آنها پاسخ داد.

در پاسخ به شبهه انتساب نویسنده خاطرات، باید گفت: ۱- براساس اصطلاحات، مفاهیم و اشارات تاریخی موجود در اثر و نیز از رهگذر بررسی سبک دوره، در نظر گرفتن سال ۱۳۳۲ ق. به عنوان سال نگارش اثر منطقی می‌نماید؛ ۲- گفتمان موجود در اثر همسو با گفتمان غالب دوره یعنی گفتمان روشنفکران مشروطه‌خواه است و گرایش‌های سلطنت‌طلبانه نویسنده، نشان از این دارد که نویسنده اثر فردی روشنفکر اما متعلق به خانواده سلطنتی است. بر این اساس تاج‌السلطنه می‌تواند نماینده این گروه باشد؛ ۳- از جانب دیگر مقایسه تطبیقی خاطرات و نامه‌های تاج‌السلطنه نشانگر وجود مضامین مشترک، ساختارهای زبانی مشابه و عبارات و صورت‌های زبانی خاص مشترکی است که امکان سخن گفتن از وجود نویسنده واحد برای هر دو اثر را فراهم می‌کند.

نامه‌های تاج‌السلطنه مجموعه اسنادی است که در مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران به شماره پ ۴۷۵۲-۲م نگهداری می‌شود. تاج‌السلطنه این نامه‌ها را در سال ۱۳۴۰-۱۳۴۱ق/ ۱۳۰۰-۱۳۰۱ش به کابینه دولت نوشته و در آنها حقوق پرداخت‌نشده‌اش را مطالبه کرده‌است و با رویکردی انتقادی نسبت به شاه، مسؤولان و وضعیت کشور، از نیاز مالی‌اش صحبت می‌کند. اگرچه نمی‌توان تأثیر گذر زمان را بر تفاوت‌های سبکی در دو اثر متعلق به یک نویسنده نادیده انگاشت، با بررسی تشابه‌های سبکی که ریشه در ناخودآگاه نویسنده دارد، می‌توان به شبهه انتساب پاسخ داد.

۲- از مصادیق این ویژگی یکی خطاب «شما» به جای «تو» است که به دلیل شیوه زبانی دوره قاجار و کاربرد آن در همه متون، نمی‌توان وجود آن را در خاطرات یک ویژگی زنانه محسوب کرد؛ به همین دلیل از بررسی این مورد صرف‌نظر شده‌است.

۳- شماره صفحات و پاراگراف‌های پیکره عبارت است از: ۲۳، ۲۷، ۲۸، ۵۰؛ ۲، ۵۱؛ ۷۶؛ ۱ و ۲؛ ۸۶؛ ۱؛ ۱۰۰؛ ۱، ۱۰۱؛ ۱۰۶؛ ۱ و ۲ (عدد بعد از دو نقطه شماره پاراگراف است).

۴- نامه‌های ۵۱، ۷۸ و ۱۱۶ و رساله ۱ (شرح حال نشاط) بررسی شده‌است.

۵- ۳۹۸۴؛ ۲؛ ۳۹۸۵؛ ۱؛ ۴۰۰۱؛ ۱؛ ۴۰۰۳؛ ۲؛ ۴۰۱۲؛ ۳؛ ۴۰۱۴؛ ۲.

۶- فهرست صفحات و شماره سطور بخش‌های بررسی شده از خاطرات تاج‌السلطنه: ۲-۱/۵، ۳۵-۱۷/۶، ۲۷-۹/۷، ۴/۸-۳۴/۷، ۴/۸-۱۲/۸، ۲۴-۱۸/۹، ۹-۲/۱۰ و ۱۸-۲۳، ۳۳-۳۱/۱۱ و ۱۱-۱/۱۲، ۲۹-۱۳ و ۳۵-۲۹/۱۳، ۲-۱/۱۴، ۳۲-۱۷/۱۵، ۳۵-۳۳/۱۶، ۷-۱/۱۷، ۱۵-۶/۱۸، ۲۸-۲۰/۱۹، ۳۲-۲۳/۲۰، ۲۱-۱۵/۲۱ و ۲۹-۲۲ و ۳۲-۲۹/۲۲، ۸-۱/۲۳ و ۱۷-۹ و ۱۸-۱/۲۶، ۳۵-۳۲/۲۵، ۱۳-۱/۲۶، ۳۳-۲۰/۲۷، ۱۶-۱/۲۸، ۱۰/۲۹، ۲۸، ۳۵-۳۰/۳۱ و ۱۱-۱/۳۲، ۲۲-۱۲ و ۳۰-۱۶/۳۴، ۱۵-۱/۳۶، ۳۲-۷/۳۷، ۱۷-۷/۴۳ و ۲۵-۱۸ و ۷/۴۵-۳۳/۴۴، ۱۰/۴۶-۳۵/۴۵، ۱۶-۱۱/۴۶ و ۲۵-۲۰ و ۲۲-۸/۴۷، ۱۹-۴۸

۳۰، ۸/۴۹-۳۱/۴۸، ۳۴-۲۵/۵۰، ۵/۵۱-۳۵/۵۰، ۲۱/۶۱-۲۸/۵۸، ۳/۶۷-۲۸/۶۶، ۲۶-۱۵/۸۵، ۷/۶۹-۳۳/۶۸، ۲۸-۱۷/۷۳، ۹-۱/۷۷، ۲۰-۱۷/۷۹، ۱۳/۸۳-۲۶/۸۲، ۲۰-۱۲/۱۱۰، ۸/۱۰۰-۲۸/۹۹، ۱۶-۴/۸۸، ۳۱-۲۱/۸۷

۷- نوشتار عین السلطنه به عنوان اثری که گذار به مدرنتیبه در جامعه و دربار را نشان می‌دهد و به همین دلیل ورود مفاهیم و واژگان زبان‌های غربی در آن فراوان است، امکان مقایسه با خاطرات را در این معیار فراهم می‌کند.

۸- در این زمینه نک. وحیدیان کامیار، ۱۳۸۴: ۶۶ و ۸۵.

۹- معیار کلی برای بسامدگیری جملات ناتمام و خلاف دستور، میزان کل عبارات اسمی، قیدی و فعلی، و تشدیدکننده‌ها و صورت‌های مبهم تعداد واژگان پیکره است.

۱۰- در این مقاله سعی شده است صرفاً متون درباری بررسی گردد. آثاری چون نوشته‌های عارف قزوینی یا خاطرات امین‌الدوله متون درباری محسوب نمی‌شوند، با این حال برای نشان دادن نزدیکی ضریب همبستگی نوشتار تاج السلطنه و قائم‌مقام و عدم همبستگی بین متن تاج السلطنه و ملیچک (به عنوان اثری درباری) و امین‌الدوله (به عنوان اثری غیردرباری)، در اینجا به بررسی قسمتی از نوشتار این افراد که در یک موضوع (توصیف یک شخص) اتحاد دارد، می‌پردازیم:

خاطرات ملیچک: «امین‌خاقان برادر زبیده‌خانم (امین‌القدس) بود که یکی از زوجات ناصرالدین‌شاه بود. خیلی طرف میل شاه بود. جواهرآلات و یک مقدار نقدینه و خوراک شاه به دست او داده بود و بسیار زن امین و درستی بود و مال شاه را خوب جمع‌آوری و ضبط می‌کرد. از این حیث بیشتر طرف تقرب و التفات بود. اصلاً گروسی بود. و در اوایل دولت فلان که حکومت کردستان و گروس با فرهادمیرزا معتمدالدوله بوده است، ناصرالدین‌شاه از او خدمه خواسته بوده است، او امین‌اقدس را از گروس برای ناصرالدین‌شاه می‌فرستد. زعفران‌باجی که آن وقت او صندوقخانه اندرون و جواهرآلات و خوراک شاه به دست او بود و خیلی طرف توجه و پرستار شاه بود، امین‌اقدس را به دست او سپرد که تربیتش نماید. این درست مطابق بود با اواخر صدارت میرزا آقاخان نوری. بعد از یک سال امین‌اقدس را صیغه می‌نمایند. چون خیلی خوش خدمت و مواظب شاه بود از آن زمان طرف التفات واقع می‌شود» (عزیزالسلطان، ۱۳۲۶: ۲۷).

خاطرات سیاسی امین‌الدوله: [شرح حال آقا ابراهیم آبدارباشی (امین‌السلطان)] «حالا بی‌موقع نیست که احوال و نژاد این مرد را بگوییم. ابراهیم و حسین دو طفل بودند از زال به یک ارمنی که از اسرای تفلیس بود، به‌جا مانده، در کودکی یتیم و بی‌کفیل شدند. ابراهیم چندی در خانه سامخان ارمنی که در اراک تهران منزل داشت

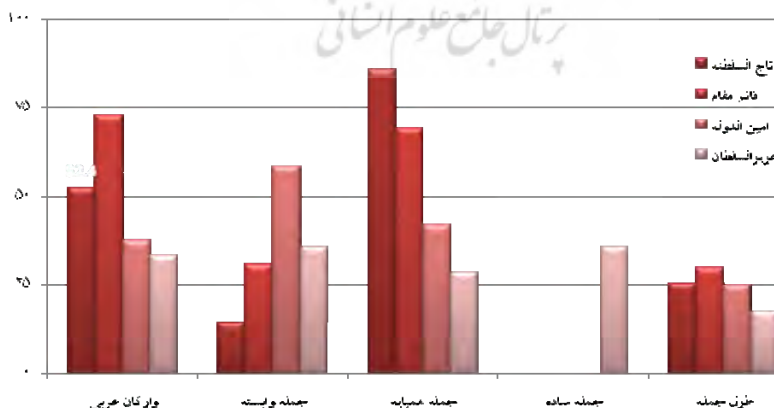
خانه‌شاگرد و مجموعه‌کش و چون کچل و کثیف بود به خدمت پست اشتغال داشت،/ چند سالی که از عمرش گذشت و سنش به خانه‌شاگردی مناسب نمی‌کرد کسانش او را با حسین برادرش به دکان کشفدوژی سپردند./ در پیش استاد مزدور و با اجرت مختصر معاش می‌نمودند تا ناصرالدین میرزا ولیعهد به حکمرانی آذربایجان مأمور شد./ اسکندربیک عم این دو طفل که در دستگاه ولیعهد سقاباشی و دخیل عمل آبدارخانه بود و به نسبت هم‌نژادی با حاجی بیژن‌خان، رئیس دربخانه، کارش رونقی داشت. برادرزاده‌های خود را در سلک عمه آبدارخانه به تبریز برد و آن زمان آقابراهیم در خدمت باقی ماند» (امین‌الدوله، ۱۳۷۰: ۲۵).

جدول ۷- مقایسه ساده‌نویسی

تعداد اثر	طول جمله	نوع جمله			واژگان عربی	جمله مستقل محتوایی	کل واژگان	واژه (اسم، صفت، فعل، ضمیر، قید بسیط، حرف ربط مرکب)
		وابسته	هم‌پایه	ساده				
۱۲۲	۱۵۴	۶	۶۴	۰	۱۲	۲۵.۵	تاج‌السلطنه	
۱۰۰	۱۵۰	۵	۷۳	۰	۹	۳۰	قائم‌مقام	
۱۰۹	۱۵۱	۶	۴۱	۰	۵	۲۵	امین‌الدوله	
۱۲۰	۱۵۴	۹	۴۰	۵	۴	۱۷.۳	عزیزالسلطان	

در جدول بالا مشاهده می‌شود که طول و نوع جملات و نیز میزان واژه‌های عربی در دو اثر اول مشابهت بیشتری به یکدیگر دارند.

نمودار ۱ - بسامد ساده‌نویسی (براساس درصد)



این نمودار که براساس جدول بالا رسم شده است، نشان می‌دهد که ضریب همبستگی خاطرات با منشآت قائم‌مقام بیشتر از دیگر متون است و بنابراین مقیاس مناسب‌تری برای بررسی تطبیقی است.

منابع

- اتحادیه، منصوره و سعدوندیان، سیروس (۱۳۶۱)، «مقدمه»، *خاطرات تاج‌السلطنه*، تهران: نشر تاریخ ایران، صص هفت- شانزده.
- افشار، ایرج (۱۳۸۴)، «خاطرات تاج السلطنه»، *ماهنامه حافظ*، شماره ۲۰، صص ۲۲-۱۸.
- امین‌الدوله، میرزا علی‌خان (۱۳۷۰)، *خاطرات سیاسی امین‌الدوله*، به کوشش حافظ فرمانفرمائیان، تهران: امیرکبیر.
- بهمنی مطلق، یدالله و باقری، نرگس (۱۳۹۱)، «مقایسه زبان زنان در آثارسیمین دانشور و جلال آل‌احمد»، *فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ*، سال ۳، شماره ۱۱، صص ۵۹-۴۳.
- پورمظفری، داوود (۱۳۹۰)، «گفتارنوشت صوفیان، بازشناسی یک گونه نوشتاری»، *مجله نقد ادبی*، سال ۴، شماره ۱۵، صص ۶۰-۳۱.
- تاج‌السلطنه (۱۳۶۱)، *خاطرات تاج‌السلطنه*، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان. تهران: نشر تاریخ ایران.
- تانگ، رزماری (۱۳۸۷)، *نقد و نظر: درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی*، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- حمیدی، سید جعفر و عاملی‌رضایی، مریم (۱۳۸۷)، «تحول جایگاه زن در نشر پیش از مشروطه»، *تاریخ ادبیات*، شماره ۵۹، صص ۶۰-۴۶.
- رضایی، مریم (۱۳۸۹)، *سفر دانه به گل*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- سعدوندیان، سیروس (۱۳۷۹)، «عرایض شکوه‌آمیز سرکار علیّه عالیّه به مقام منیع وزراء»، گلزار خاموش، محمد گلبن، تهران: رسانش، صص ۲۱۰-۱۸۷.
- سلمانی، حمیدرضا (۱۳۸۹)، بررسی و تحلیل محتوایی و ادبی زندگی‌نامه‌های خودنوشت فارسی (از دوره بازگشت تا دوره معاصر)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- شعار، جعفر (۱۳۴۴)، *عربی برای فارسی*، تهران: پیروز.
- طاهری، قدرت‌الله (۱۳۸۸)، «زبان و نوشتار زنانه؛ واقعیت یا توهم؟»، *فصلنامه زبان و ادب پارسی*، شماره ۴۲، صص ۸۷-۱۰۷.
- عزیزالسلطان، غلامعلی‌خان (۱۳۷۶)، *روزنامه خاطرات عزیزالسلطان ملیح‌کثانی*، جلد اول، به کوشش محسن میرزایی. تهران: زرباب.

- عین‌السلطنه، میرزاسالور (۱۳۷۷)، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، جلد ۵، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- فتوحی رودمعجنی، محمود (۱۳۹۰)، *سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*، تهران: سخن.
- فراهانی، قائم مقام (۱۳۸۶)، *منشآت قائم مقام فراهانی*، به کوشش سید بدرالدین یغمایی، تهران: نگاه.
- فرشیدپورد، خسرو (۱۳۸۸)، *دستور مفصل امروز*، تهران: سخن.
- گرین، کیت و لیبهان، جیل (۱۳۸۳)، *درسنامه نظریه و نقد ادبی*، سرمترجم و ویراستار حسین پاینده، تهران: روزنگار.
- محمدی‌اصل، عباس (۱۳۸۸)، *جنسیت و زبان‌شناسی اجتماعی*، تهران: گل آذین.
- نیکویخت، ناصر؛ دسپ، سید علی؛ بزرگ بیگدلی، سعید و منشی‌زاده، مجتبی (۱۳۹۱)، «روند تکوین سبک زنانه در آثار زویا پیرزاد: تحلیلی بر پایه سبک‌شناسی فمینیستی»، *فصلنامه نقد ادبی*، سال ۵، شماره ۱۸، صص ۱۵۲-۱۱۹.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۴)، *دستور زبان فارسی گفتاری*، تهران: الهدی.
- وردانک، پیتر (۱۳۸۹)، *مبانی سبک‌شناسی*، ترجمه محمد غفاری، تهران: نشر نی.
- Cameron, D. (2006), Gender. *Encyclopedia of Linguistics, second edition*. ed by K. Brown. (pp. 3742-8). Elsevier.
- Dijd, T. A (2006), Politics, Ideology, and Discourse. *Encyclopedia of Language and Linguistics. second edition*. Ed by .K. Brown. (pp, 8351-8363). Oxford: Elsevier.
- Halliday M.A.K, & Christian M.I.M. Matthiessen (2004), *An Introduction to Functional Grammar, third edition*. London: Arnold.
- Halliday M.A.K. (1981), "Linguistic function and literary style: an inquiry into the language of William Golding's The Inheritors" in *Essays in Modern Stylistics*. By Donald C. Freeman (pp. 326-360). London: Methuen.
- Lakoff, R. T. (1990), *Talking Power: The Politics of Language in our lives*. New York: Basic Books. <http://www.questia.com>
- _____ (2004). *Language and Woman's Place*. ed by Mary Bucholtz. . New York: Oxford.
- _____ (2004), *Stylistics: A Resource Book for Students*. London: Routledge.
- Thompson, G. (2004), *Introducing Functional Grammar, second Edition*. London: Arnold.
- Wodak, R, Benke G. (1998), "Gender as a Sociolinguistic Variable: New Perspectives on Variation". In *The Handbook of Sociolinguistics*. by Florian Coulmas. (pp. 88-103). Blackwell.